

داستانک‌هایی
در فاصله‌ی
یک پلک بر هم زدن

ترجمه و گردآوری:

اسدالله امرایی

انتشارات لحن نو

۱۳۸۷

عنوان و نام پدیدآور: داستانک‌هایی در فاصله‌ی یک پلک برهم زدن / ویراستار و نداوود

موکهرجی؛ ترجمه اسدالله امرایی.

تهران: لحن نو، ۱۳۸۷.

وضعیت نشر:

۱۹۲ ص.

مشخصات ظاهری:

978-600-90004-5-6

شابک:

فیپا

یادداشت:

عنوان اصلی: Blink: flash fiction before you can bat an

یادداشت:

eye, 2006.

داستان‌های کوتاه -- قرن ۲۰ -- مجموعه‌ها.

موضوع:

موکهرجی، واندا واد

شناسه افزوده:

Mukherjee, Wanda Wade

شناسه افزوده:

امرای، اسدالله، ۱۳۲۹ - مترجم.

شناسه افزوده:

۸۰۸/۸۳۱

رده بندی دیویی:

PZ1/۵۱۶۲ ۱۳۸۷

رده بندی کنگره:

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۹۹۱۴۸

انتشارات لحن نو

بلوار آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۶، ساختمان مرجان، طبقه‌ی اول

تلفن: ۲۲۰۳۹۷۶۴ و ۲۲۰۱۶۴۴۲

E-mail: lahneno84@yahoo.com

داستانک‌هایی در فاصله‌ی یک پلک برهم زدن

ترجمه و گردآوری: اسدالله امرایی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

طراحی جلد: جواد آتشباری

گرافیک و صفحه‌آرایی: هدیه کعبی / آتلیه افراز: ۶۶۴۰۱۵۸۵

لیتوگرافی: نقش گستر

چاپ: نقش گستر

صحافی: نقش گستر

قیمت: ۳۲۰۰ تومان

فهرست

۳۸	آقای رییس.....	۷	مقدمه.....
۳۹	آلمان ۱۹۲۱.....	۱۰	کردک پیر.....
۴۰	آینه‌ای که خوابش نمی‌برد.....	۱۱	کهنه‌سرباز.....
۴۱	اتومبیل ماوریک ۱۹۷۵ مسروقه‌ی من.....	۱۲	کیک عروسی.....
۴۲	بستنی.....	۱۳	گاوصندوق.....
۴۳	هدیه‌ی بیست ساله.....	۱۴	گدای کور.....
۴۴	از خود گذشتن.....	۱۵	گم شده، پیدا شده.....
۴۵	شاهزاده‌ی خفته.....	۱۶	لوکوموتیو.....
۴۶	منظومه‌ی شمس.....	۱۷	مادر.....
۴۷	آزار.....	۱۸	ماده موش.....
۴۸	بازنشستگی.....	۱۹	ماه بدر.....
۴۹	بین روی پاکت چی نوشته.....	۲۰	خجالتی.....
۵۰	بخت.....	۲۱	مبارک است، مبارک!
۵۱	پایان.....	۲۲	مدال طلا.....
۵۲	کیف گمشده.....	۲۳	نامه‌های یک زن.....
۵۳	منتقدین.....	۲۴	مرگ بی‌صدا.....
۵۴	بدبختی.....	۲۵	مسابقه‌ی لاک پشت و خرگوش.....
۵۵	پرستار.....	۲۶	کفش‌های سیندرلا.....
۵۶	پرنده‌ها در برف.....	۲۷	کارگر فصلی.....
۵۷	پرومته در تبعید.....	۲۸	حضور و غیاب.....
۵۸	پول خون.....	۲۹	آخرین دزدی.....
۵۹	تروویست.....	۳۰	ایکاروس.....
۶۰	تفرج.....	۳۱	بچه‌ی سر راهی.....
۶۱	تنهایی.....	۳۲	نامه‌های بی‌صاحب.....
۶۲	جایزه.....	۳۳	بمب‌افکن.....
۶۳	جراحی.....	۳۴	توس.....
۶۴	جراحی زیبایی.....	۳۵	تقدیر.....
۶۵	جنایت و مکافات.....	۳۶	سرهنگ.....
۶۶	چای با کلاغ.....	۳۷	کارمند نمونه.....

۹۸.....	دستمزد.....	۶۷.....	چشم‌بند.....
۹۹.....	دوئل.....	۶۸.....	چمدان.....
۱۰۰.....	دوست من.....	۶۹.....	چوپان دروغگو ۱.....
۱۰۱.....	خاطرات شاهزاده خانم.....	۷۰.....	چوپان دروغگو ۲.....
۱۰۲.....	تا آخر عمر.....	۷۱.....	چوپان دروغگو ۳.....
۱۰۳.....	دوستی.....	۷۲.....	چوپان دروغگو ۴.....
۱۰۴.....	دیكتاتور.....	۷۳.....	چوپان دروغگو ۵.....
۱۰۶.....	راهزن.....	۷۴.....	چهارفصل.....
۱۰۷.....	قاجاق.....	۷۵.....	حادثه.....
۱۰۸.....	روزمهرگی.....	۷۶.....	حبس ابد.....
۱۰۹.....	روزی که خیلی خجالت کشیدم.....	۷۷.....	حسرت.....
۱۱۰.....	ریگ توی کفش.....	۷۸.....	حق ثبت.....
۱۱۱.....	ریس جدید.....	۷۹.....	حواست را جمع کن.....
۱۱۲.....	زنجیره.....	۸۰.....	خبر بد.....
۱۱۳.....	سر شی بی‌عنوان.....	۸۱.....	داستان زاغ و روباه ۱.....
۱۱۴.....	زندگی واقعی.....	۸۲.....	داستان زاغ و روباه ۲.....
۱۱۵.....	سر بزنگاه.....	۸۳.....	داستان زاغ و روباه ۳.....
۱۱۶.....	سرقت از بانک.....	۸۴.....	داستان زاغ و روباه ۴.....
۱۱۷.....	سیستم امنیتی.....	۸۵.....	داستان زاغ و روباه ۵.....
۱۱۸.....	شاه.....	۸۶.....	داستان زاغ و روباه ۶.....
۱۱۹.....	شرط‌بندی.....	۸۷.....	داستان زاغ و روباه ۷.....
۱۲۰.....	آش میخ.....	۸۸.....	داستان زاغ و روباه ۸.....
۱۲۱.....	فروشی.....	۸۹.....	داستان زاغ و روباه ۹.....
۱۲۲.....	اعتراف.....	۹۰.....	داستان کوتاه و قهرمان.....
۱۲۳.....	ترس تو بی‌مورد نیست.....	۹۱.....	داستان‌نویس.....
۱۲۵.....	همانگی.....	۹۲.....	دایناسور.....
۱۲۶.....	سرفه.....	۹۳.....	دایی خوسه.....
۱۲۸.....	خوش‌خیال.....	۹۴.....	دختر کوجولو و گرگ.....
۱۲۹.....	ازدواج غریب.....	۹۵.....	در مرز صفر.....
۱۳۰.....	چهار شلاق.....	۹۶.....	بخت ریت.....
۱۳۱.....	مرگ بر اثر دخانیات.....	۹۷.....	دریا.....

۱۶۵.....	مورچه و زنبور.....	۱۳۲.....	شیر کابل.....
۱۶۶.....	مشاور.....	۱۳۳.....	دوری از عزیزان.....
۱۶۷.....	مرفیت.....	۱۳۴.....	خروش روی بینی.....
۱۶۸.....	نفس.....	۱۳۵.....	بینم اسم دختر چی بود؟.....
۱۶۹.....	وبلاگ نویس تنها.....	۱۳۷.....	شکار.....
۱۷۰.....	هم مرگ.....	۱۳۸.....	خوشتکار.....
۱۷۱.....	هدیه.....	۱۳۹.....	نیفت کاری.....
۱۷۲.....	نورخانه.....	۱۴۰.....	همسایه.....
۱۷۳.....	بی کاری.....	۱۴۱.....	یازده سپتامبر.....
۱۷۴.....	فیلم واقعی.....	۱۴۲.....	یک داستان خیلی کوتاه.....
۱۷۵.....	وبلاگ نویس ناشناس.....	۱۴۳.....	آرزو.....
۱۷۶.....	حمله.....	۱۴۴.....	صحنه‌ی درگیری.....
۱۷۷.....	اندوه.....	۱۴۵.....	مراقب.....
۱۷۸.....	تویس.....	۱۴۶.....	می‌خواهم حادثه‌ای را گزارش کنم.....
۱۷۹.....	دلنگی.....	۱۴۷.....	ضربه.....
۱۸۰.....	گوری.....	۱۴۸.....	ضیافت.....
۱۸۱.....	خوشتکاری.....	۱۴۹.....	عبور از مرز.....
۱۸۲.....	نخستین دوست.....	۱۵۰.....	عشق میگاز و ادبیات.....
۱۸۳.....	در سالن تشریح.....	۱۵۱.....	عینک ری‌بن.....
۱۸۴.....	یک کلمه هم از شوالیه‌ی اژدهاکش.....	۱۵۲.....	قتل در بعد از ظهر.....
۱۸۵.....	مین و او.....	۱۵۳.....	قاتل.....
۱۸۶.....	پرتغالی که بر جهان حکومت می‌کرد.....	۱۵۴.....	قدرشناسی.....
۱۸۸.....	شکسته.....	۱۵۵.....	فصلی عشق.....
۱۸۹.....	توقف کوتاه.....	۱۵۷.....	فصلی کوچیک.....
		۱۵۸.....	کردی.....
		۱۵۹.....	کوه و خورشید.....
		۱۶۰.....	مصاحبه.....
		۱۶۱.....	ملاقاتی.....
		۱۶۲.....	من و راینسون کروزو.....
		۱۶۳.....	موبایل.....
		۱۶۴.....	موبایل.....

مقدمه

داستانک را معادل فارسی فلش فیکشن گرفته‌اند که یکی از گونه‌های روایی رایج در روزگار ماست؛ در عصری که فرصت دیدن و شنیدن تنها در چهارچوب قابی کوچک و گاه بزرگ دست می‌دهد؛ عصری که قبيله یک نفر است یا یک واحد از چند نفر؛ عصر لحظه‌ها و پیام‌ها؛ و هرچه می‌خواهیم کوچک کنیم یک کاف تصغیر به آخرش می‌افزاییم. داستانک، روایت مطلوب داستان‌خوان‌ها هم هست. دیگر نیازی به بسیار سفر باید تا پخته شود خامی نیست. داستان کوتاه کوتاه با بریدن تمام شاخ و برگ‌های خود این روزها به سادگی و به سرعت در زندگی ما جای باز کرده است، هم‌زمان با سرعت ماشین، قطار، مترو، هواپیما و شتاب تلویزیون و اینترنت، انسان امروزی وقت فراقتش اندک است. در یک نام چه چیزی نهفته است. دنبال اسم می‌گردیم برای این همه داستان. فلش فیکشن، سوپرفیکشن، میکروفیکشن، پارافیکشن، متافیکشن، سادن فیکشن. گاه پیشنهادهایی می‌شود که قابل تامل است. مسعود طوفان معادل دم‌داستان را برای فلش فیکشن پیشنهاد می‌کند که من در مجموعه‌ی بهترین بجه‌ی عالم آن را پسندیدم. برای فلش فیکشن پیشنهاد داستان‌های برق‌آسا هم داده‌اند. برای سادن فیکشن داستان ناگهان را برگزیده‌ام که در مجموعه‌ای با همین نام چاپ شده است. مجموعه‌ی

دیگر، داستان‌های پنجاه و پنج کلمه‌ای است و مجموعه‌ی داستان گلوله که آن هم به همین قلم ترجمه شده، در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. این شیوه‌ی روایی به ما اجازه می‌دهد در کم‌ترین زمان ممکن بینیم، بیندیشیم و بگذریم. جنسی از زیبایی که در چشم‌برهم‌زدنی قابل دیدن و محسوس است. در واقع داستانک پدیده‌ای نوظهور نیست. گونه‌های روایی بسیار متنوعی در گنجینه‌ی ادبیات جهان یافت می‌شوند که شباهت فرمی زیادی با داستانک‌های امروزی دارند. قصه‌ها و حکایت‌های کوتاه در ادبیات فارسی مسبوق به سابقه است، البته ساختار درونی، افق‌های معنایی و ارتباط‌های نشانه‌شناختی داستانک‌های امروزی با حکایت‌های کهن متفاوت است، اما فصول مشترک مهمی را نیز در این آثار می‌توان یافت. شباهت‌هایی که به بنیان‌های روایی و ساختار ارتباطی آن‌ها برمی‌گردد.

اولین نکته‌ای که در داستانک نظر مخاطب را جلب می‌کند، معنای نهفته در پس این چند جمله است. چنان که وقتی آن را می‌خوانیم، ابتدا متوجه معنا و حالتی می‌شویم که به آن اشاره می‌کند یا حسی که سعی در القای آن دارند. داستانک ویژگی روایی خود را حفظ کرده است، گویی آن‌چه می‌خوانیم هم یک داستان است و هم نیست؛ کیفیتی که خواننده را غافلگیر می‌کند. از این منظر، اولین واکنش خواننده نسبت به متن، بیش از هر چیز، تحریک ذهنی برای اندیشیدن به معنای مستقیم آن است. عنصر غافلگیری یکی دیگر از ویژگی‌های داستانک و انواع و اقسام نام‌نیافته‌ی آن است.

داستانک، در فضای فرهنگی معاصر ایران روز به روز در حال افزایش است. شاهد آن انتشار کتاب‌هایی است که در این حوزه با

استقبال فراوان مواجهه شده‌اند. برگزاری جشنواره‌های متعدد داستانک نیز شاهد این مدعاست. استقبال مختص ما نیست و اغلب کشورهای جهان شاهد گسترش این نوع ادبی هستند که به تازگی به عرصه‌ی موبایل یا تلفن همراه هم راه یافته. این توجه روز افزون ضرورت پژوهش و پرداختن دقیق‌تر به این گونه‌ی داستانی را افزایش می‌دهد. مجموعه‌ی حاضر به این امید فراهم شده که فرصتی برای دیدار باشد و خواندن این داستان‌ها در لحظه‌های تنهایی، در همین فرصت که دست می‌دهد. قرار نیست ترتیب و آدابی در کار باشد، از همه کار هست، از استاد ارنست همینگوی تا شاگردان کوچکش که این عرصه را پرکرده‌اند. با سپاس از علی عبدالهی، سرکار خانم دکتر فریبا فرهنگ و تقدیر از زحمات دو دوست خوب و مشوق، هدیه کبکی و نگار تقی‌زاده داستان نویس جوان کشورمان که در تنظیم کتاب کمک‌های شایانی کرده‌اند.

اسدالله امرایی

کودک پیر

آرتور دوناوان

پیرمرد ادای کودکان را در می‌آورد. گاهی هم با هم سن و سالان خود در آسایشگاه سالمندان به بی‌کسی خود می‌گریست. به بازی بی‌انتهای زندگی رنگ فراموشی می‌زد. خود را برای مرگ آماده می‌کرد، انگار. صبحانه‌اش را که روی میز گذاشته بودند، دست نخورده برگرداندد. راستی برای ورزش صبحگاهی هم نیامده بود.